

افراد موفق چه نوع افکار منفی را از خودشان دور می کنند؟



موفق ترین افراد سعی می کنند هر آنچه را که مانعی می شود تا به موفقیت نرسند از زندگی شان حذف کنند. حذف افراد منفی نگر، حذف افکار منفی، حذف تصورات غلط و اشتباه، حذف باورهای اشتباه، حذف صحبت های درونی منفی و هر چیزی که آنها را از مسیر رسیدن به هدفشان دور کند.

سر منشأ این موارد، فقط افکار منفی است که شب و روز و به صورت ۲۴ ساعت شبانه روز به آن می پردازیم. این ما هستیم که در طول مدت ۲۴ ساعت شبانه روز به صورت مداوم با خودمان صحبت می کنیم و اگر موفق شویم می گوئیم خودمان موفق شده ایم و اگر هم موفق نشویم دیگران را مقصر ناکامی های خود می دانیم.

افکار مثبت و منفی می تواند مسیر زندگی و آینده ی شما را مشخص کند. اگر مثبت فکر کنید و سعی و تلاش کنید به هر آنچه که می خواهید می رسید و اگر منفی فکر کنید زندگی و آینده ی خودتان را به صورت کامل نابود خواهید کرد.

افکار منفی تنها هدفشان نابود کردن انسان ها هستند. آنها ضمیر درونی تان را مورد هدف قرار داده اند و چنان آنها را تحت کنترل خودشان قرار می دهند که فرار کردن از زیر سلطه ی آن فوق العاده مشکل خواهد بود اما، غیر ممکن نخواهد بود. اگر می خواهید باز هم در مسیر موفقیت باقی بمانید باید سعی کنید افکار منفی را از ذهنتان بیرون کنید. تنها با این روش است که می توانید موفق شوید.

یأس و ناامیدی، شکست، موفق نشدن، مقصر جلوه دادن دیگران، ترس از شکست، جذب کردن افراد منفی نگر و صدها مورد دیگر همه و همه ناشی از وجود افکار منفی است و این نوع افکار فقط ما را به درون باتلاق نابودی می کشاند.

اگر خودتان را ثروتمند، قدرتمند، موفق، باهوش و خوش شانس بدانید درست فکر کرده اید و اگر فقیر، بدبخت، شکست خورده، ناموفق و ناامید بدانید باز هم درست فکر کرده اید. در هر صورتی هر فکری کنید درست فکر کرده اید چون ضمیر ناخودآگاه جایی است که شما به آن دستور می دهید که می خواهید موفق شوید و یا بدبخت و این ضمیر درونی تان است که این صحبت های درونی تان را به مثابه ی یک دستور می پذیرد.

ریشه ی اصلی تمام افکار ضمیر ناخودآگاه شماست چه افکار منفی و چه افکار مثبت. اگر موفق هستید ریشه ی اصلی به صحبت های مثبتی بر می گردد که با خودتان دارید و اگر منفی فکر کنید باز هم به ضمیر درونی تان بر می گردد که مدام به خودتان فاز منفی می دهید.

توانایی کنترل کردن افکار منفی می تواند شما را به سمت موفقیت هدایت کند و تمام اینها بستگی به شما دارد. اگر از تأثیر افکار منفی آگاه نیستید سعی کنید این مقاله را تا پایان مطالعه کنید. این مقاله کاری از تیم **"کافه نیاز"** است و آن را تقدیم به اشخاصی می کند که به دنبال راهی هستند تا افکار منفی را شناسایی و آنها را از ذهنشان خالی کنند. این نکته ها را فرا بگیرید و در زندگی شخصی به بکار بیندید.

با ما همراه باشید

نکته ی اول: اسیر دست سرنوشت بودن



افراد موفق به این باور رسیده اند که هیچ تقدیر و سرنوشتی در کار نیست و به خودشان هم این اجازه را نمی دهند که چیزی به عنوان سرنوشت زندگی و آینده ی آنها را خراب کند. در اصل افراد موفق باورشان این است که می توانند خودشان آینده شان را ترسیم و **تجسم** کنند.

آنها هرگز منتظر این نمی شوند تا شرایط به گونه ای رقم بخورد تا آینده ی آنها به وجود بیاید. افراد موفق به این نوع افکار منفی توجهی نمی کنند و برعکس سعی می کنند با تلاش و کوشش، خودشان شرایط را به وجود بیاورند. آنها زاینده ی شرایط نیستند بلکه خالق شرایط هستند.

باور افراد موفق این است که موفقیت یا شکست شان در دستان خودشان است نه در دست سرنوشت و تقدیر. آنها هرگز منتظر سرنوشت نمی شوند چون به آن اعتقادی ندارند بلکه خودشان این سرنوشت ها را به وجود می آورند.

نکته ی دوم: ناتوانی در انجام کارها

افراد موفق همیشه به خودشان می گویند که من توانایی انجام این کار را دارم و هرگز اجازه نمی دهند که افکار منفی وارد ذهنشان شود



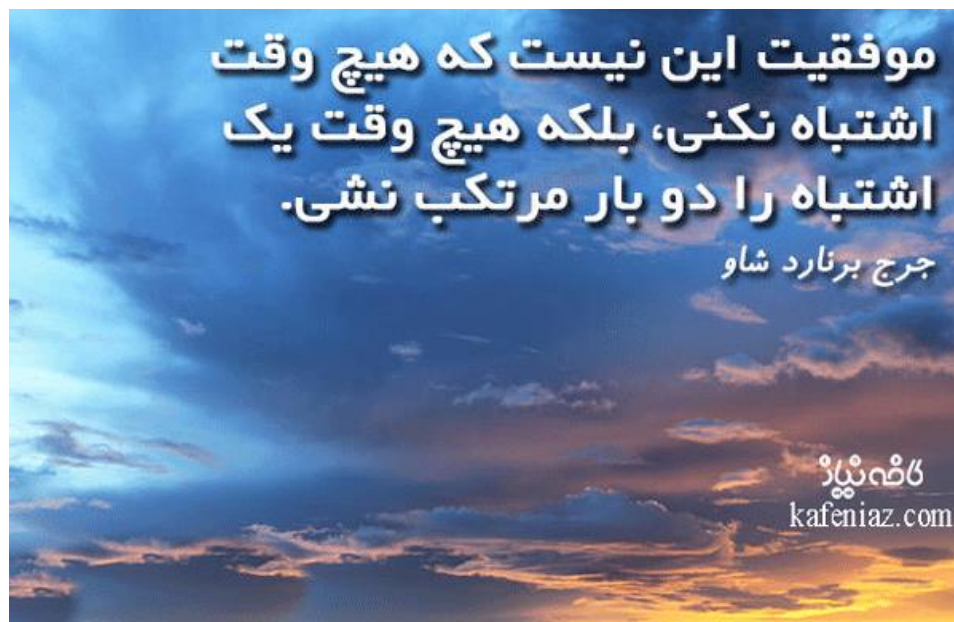
توانستن یا ناتوانی در انجام کارها فقط و فقط بستگی به خود شخص دارد. اگر توانایی و یا ناتوانی انجام کارها را در خودتان می بینید به خاطر نوع رفتارتان با ضمیر ناخودآگاه تان است. اگر مدام به خودتان بگویید که من می

توانم پس قطعاً این توانایی را در خودتان دارید و اگر بگویید من نمی توانم، به طور حتم از انجام این کارها ناتوان تر از همیشه خواهید بود.

ضمیر ناخودآگاه همان جایی است که افراد موفق این افکار منفی را از زندگی و ذهنشان حذف کرده اند. آنها هرگز اجازه نمی دهند افکار منفی مانند نمی تونم، همیشه، ندارم، ناامیدم، موفق نشدن و خلاصه هر آنچه که باعث تضعیف شدن روحیه و انگیزه می شود را به ذهنشان راه دهند.

اگر موفق شوند توانایی و مهارت خودشان را در این کار دخیل می بینند و اگر موفق نشوند تنها جمله ای که می گویند این است: **من مسئول تمام این شکست ها هستم.** اشخاص موفق با این جمله به راحتی ضمیر ناخودآگاه شان را تحت کنترل خودشان قرار می دهند به خاطر همین است که هرگز به خودشان اجازه نمی دهند جمله ی **من نمی توانم** را به زبان بیاورند.

نکته ی سوم: موفقیت در پشت دیوارهای اشتباه نکردن قرار دارد



افراد موفق این را می دانند که دست به هر کاری بزنند **شکست** و اشتباه در آن وجود دارد پس خیال خودشان را راحت می کنند و این را آویزه ی گوش خود کرده اند که در پشت دیوارهای اشتباه کردن، موفقیت وجود دارد نه پشت دیوارهای اشتباه نکردن.

اشتباه کردن و شکست خوردن جزئی از موفقیت ها است. به خاطر اینکه با **شکست خوردن** و اشتباه کردن است که می توان تجربه کسب کرد و از آن ها درس گرفت. انسان های موفق می دانند هیچ کسی کامل و بی عیب و نقص نیست پس تا جایی که می توانند سعی و تلاش می کنند تا همیشه کارهایشان را بدون عیب و نقص انجام دهند اما در این بین اشخاص هم هستند که از کارهایشان عیب و ایراد بگیرند و قطعاً اگر مشکلی به وجود آمد به هیچ عنوان ناراحت نمی شوند چون بهترین درس ها و تجربه ها در پشت دیوار اشتباه کردن ها قرار دارد.

نکته ی چهارم: تشبیه کردن آینده به گذشته



همان طور که در بالا گفتیم انسان های موفق از اشتباهات و شکست هایشان درس می گیرند و آن را بهانه ای می کنند تا با تجربه ای که بدست آورده اند خودشان را آماده ی رویارویی با آینده کنند. اما در این میان اشخاص ضعیف النفس و ناموفقی هم هستند که افکار منفی ذهنشان را پر کرده است و چون شکست ها و اشتباهات زیادی در زندگی خود متحمل شده اند آینده ی خودشان را به گذشته ی تاریک و مبهم خود تشبیه می کنند.

این دلیل می تواند یکی از دلیل های بزرگ برای موفق نشدن این اشخاص باشد چون همیشه در گذشته زندگی می کنند و هرگز اجازه نمی دهند سایه ی تاریک گذشته از بین برود. این اشخاص همیشه منتظر این هستند تا شرایطی به وجود بیاید و آنها از این منجلاب فکری نجات پیدا کنند.

اما در آن سوی میدان افراد موفق با اعتماد به نفسی که بدست آورده اند آینده ی خود را به گونه ای بسیار زیبا تصور و تجسم می کنند و هرگز اجازه نمی دهند افکار منفی ذهنشان را پر کند. آنها افرادی ریسک پذیر هستند که آینده ی خود را به وسیله ی همین ریسک کردن ها می سازند.

افراد موفق گذشته ی خود را فراموش می کنند و آینده ی خود را با سعی، تلاش و هدف گذاری ترسیم می کنند. آنها هیچ وقت به خودشان اجازه نمی دهند حتی لحظه ای به گذشته های خود فکر کنند حتی اگر بهترین موفقیت ها را بدست آورده باشند چون می توانند بهتر از آن را در آینده بدست بیاورند.

نکته ی پنجم: اگر دیگران مرا تحسین و تشویق کنند موفق می شوم

**افراد موفق اهدافشان را به هیچ کسی بازگو نمی کنند
و هرگز منتظر تشویق و تحسین کردن دیگران نمی شوند**



انسان های موفق تا جایی ممکن منتظر این نمی شوند که دیگران آنها را مورد تشویق و تحسین کردن قرار دهند و برعکس سعی می کنند هرگز اهدافشان را به کسی بازگو نکنند. شاید از خودتان بپرسید که دلیل این کار چیست؟ خیلی واضح است. [بازگو کردن اهداف به دیگران](#) هم می تواند به سود شما باشد و هم به ضررتان.

سود آن این است که ممکن است دیگران شما را تشویق کنند و الفاظ و کلمات مثبتی به کار ببرند که شما تشویق کنند تا بتوانید به اهدافتان برسید. اما ضرر آن مواقعی است که اشخاصی پیدا می شوند و با گفتن کلماتی کاملاً منفی آن چنان دل شما را خالی می کنند که مدتی طول می کشد تا دوباره بلند شوید و سر پا بایستید.

پیشنهاد ما این است که هرگز اهدافتان را تا زمانی که به موفقیت نرسیدید به شخصی بازگو نکنید حتی اگر منتظر تحسین کردن دیگران هستید هم هیچ وقت این کار را نکنید. یک درصد امکان دهید که این اشخاص فاز منفی به شما بدهند آن موقع است که شما برای رسیدن به اهدافتان انگیزه و روحیه ی خود را خواهید باخت و دیگر نمی توانید مسیر موفقیت را طی کنید.

به جای آن سعی کنید این فکر تشویق کردن را از ذهنتان بیرون کنید و تلاش کنید تا خودتان به خودتان روحیه بدهید چون در این تشویق کردن ها توسط دیگران هیچ چیز خاصی نیست. دوست و دشمن فقط در وجود خودتان است. هیچ دوست و دشمنی بیرون از شما نیست. این شما هستید که می توانید به خودتان روحیه و انگیزه بدهید و صد البته خودتان را مورد تشویق قرار دهید.

سخن آخر

در تمام جای جای دنیا افراد موفق همیشه سر منشأ تمام افکار مثبت بوده اند. آنها هرگز اجازه نداده اند که افکار منفی وارد ذهن و بدنشان شود. آنها روحیه و انگیزه ی خود را به خاطر موارد جزئی خراب نمی کنند. افراد موفق با وارد کردن افکار مثبت به ذهنشان اعتماد به نفس فوق العاده ای پیدا می کنند و همین رمز موفقیت آنها در زندگی شان است.